

اقدامات و خدمات شهاب‌الدین احمدخان نیشابوری در دوره اکبرشاه بابری

جمشید نوروزی^۱

(دریافت مقاله: ۹۷/۰۵/۰۳ پذیرش نهایی: ۹۷/۰۶/۲۶)

چکیده

در دوره بابرین/تیموریان هند، شمار زیادی از ایرانیان به هند مهاجرت کردند و تعدادی از آنها در مشاغل مهم حکومتی به کار گرفته شدند. تمایل برخی از شاهان تیموری به استفاده از توان مهاجران ایرانی برای تثبیت حکومت و دفع مخالفان و نیز اداره امور اداری و نظامی، موجب استخدام آنها در دربار و دیوان شد. این مقاله به اقدامات و فعالیت‌های یکی از این مهاجران ایرانی یعنی سید شهاب‌الدین احمد نیشابوری در دربار بابرین پرداخته است. عنایت اکبرشاه به شهاب‌الدین و حمایت برخی از شخصیت‌های متنفذ دربار چون مادر ایرانی شاه، از جمله عوامل نفوذ و رشد وی بود. به‌علاوه عواملی چون منفعت‌طلبی شهاب‌الدین و رقابت آشکار و نهان عناصر غیرایرانی خاصه جغتائیان/تورانیان با ایرانیان در تصاحب مشاغل حکومت بابرین و نیز برخی اختلافات و رقابت‌های داخلی بین ایرانیان مهاجر، موجب اشتغال دراز مدت وی در مناصب و مشاغل حکومتی بود.

کلید واژه: اکبرشاه بابری، بابرین، شهاب‌الدین احمدخان نیشابوری، مهاجران ایرانی

مقدمه

فرماندهانی که بابر بنیانگذار سلسله بابریان / تیموریان هند/گورکانیان هند (حک: ۹۳۲-۱۲۷۴ق) را برای فتح دهلی و تسلط بر هند یاری کردند، بیشتر از ترکان جغتایی/تورانی و اهالی ماوراءالنهر بودند. اما بعد از استقرار و تثبیت این سلسله، افزون بر نجبای تورانی و ترک، شماری از افغانها و هندی‌ها و نیز تعدادی از ایرانیان نیز در مشاغل درباری و دیوانی، به خدمت گرفته شدند. از این‌رو حکومت بابریان برای دستیابی به اهداف سیاسی و نظامی و فرهنگی، شماری از نظامیان و دیوانسالاران و علمای متعلق به گروه‌های قومی و زبانی مختلف را در اختیار داشت. میزان حضور و نفوذ این عناصر و گروه‌های قومی در روند برپایی و تثبیت این حکومت و نیز اداره تشکیلات اداری و نظامی آن، متأثر از عواملی چون قدرت و همبستگی درونی گروه‌ها و سیاست شاهان تیموری در برقراری ارتباط با هر یک از این گروه‌ها بود. درباره مهاجرت ایرانیان به هند و ایفای نقش شماری از آنان در حکومت بابریان و دیگر سلسله‌های حکومتی شبه قاره هند و نیز رقابت‌ها و منازعات آنها با دیگر گروه‌های قومی و دینی در دربار بابریان، مقالات و کتاب‌هایی نوشته شده است.^۱ اما درباره نقش سید شهاب‌الدین احمد نیشابوری در دوره اکبرشاه کتاب یا مقاله مستقلی تا کنون به دست نرسیده است از این‌رو در این مقاله به اقدامات و خدمات وی به حکومت بابریان در دوره اکبرشاه، پرداخته خواهد شد.

آغاز کار شهاب‌الدین

درباره زندگی و شهاب‌الدین پیش از ورود به مشاغل حکومتی، اطلاع زیادی در دست نیست. بنابر نسبت وی با میرمحمد شریف وقوعی نیشابوری (متوفی ۱۰۰۲ق)، (بدائونی، ۲۵۶/۳)، احتمالاً وی نیز از سادات روستای اسحاق‌آباد نیشابور بود. زمان مهاجرت شهاب‌الدین به هند نیز ناشناخته است. از اشاره‌های برخی از منابع (بیات، ۱۷۸؛ علامی، اکبرنامه، ۳۴۲/۱؛ نهایندی، ۶۰۵/۱)، می‌توان دریافت که وی در ۹۶۲ق ملازم همایون

۱. برای نمونه، نک: فرهنگ ارشاد، مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۹؛ نوروزی، جمشید، «مقتدرترین وکیل السلطنه ایرانی مغولان هند؛ محمد بیرم خان بهارلو مخاطب به خانخانان»، فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران، سال نوزدهم، شماره ۴، پیاپی ۸۱، ۱۳۸۸، ص ۱۲۳-۱۳۶؛

Afzal Husain, The Nobility under Akbar and Jahangir; a study of family groups, New Delhi, 1999; Yog Raj Malhotra, Babur's Nobility and administration in Hindustan, Jalandhar, 1996.

شاه بابر در عملیات سرکوب مخالفان و تسخیر مجدد هند پس از پناهندگی به ایران، بود. به‌نوشته بایزید بیات (۱۷۸)، شهاب‌الدین «میرسامان» همایون و به‌نوشته علامی (اکبرنامه، ۳۵۴/۱)، «میربیوتات» همایون در دهلی بود. ظاهراً اداره بیوتات یا سازمان‌ها و کارخانه‌های سلطنتی بخشی از وظایف میرسامان یا «خانسامان» بود که میربیوتات نیز خوانده می‌شد (نک: هروی، ۴۳۷/۲؛ شاهنوازخان صمصام الدوله، ۱/۶۱۶؛ علامی، اکبرنامه، ۵۷۹/۳: Ibn Hasan, p.237). همسر همایون، حمیده بانو بیگم ملقب به مریم مکانی از نوادگان عارف و صوفی معروف شیخ احمد جام تربتی (متوفی ۵۳۶ق) با همسر شهاب‌الدین نسبت خویشاوندی داشتند (نک: علامی، اکبرنامه، ۳/۷۱۶؛ خافی خان نظام الملکی، ۱/۱۴۳) و شاید این نسبت در انتصاب وی به این سمت بی تأثیر نبوده است. نخستین خبر از حضور شهاب‌الدین در دربار اکبرشاه (۹۶۳-۱۰۱۴ق)، متعلق به صوبه‌داری دهلی، توسط وی است. احتمالاً او ز جمادی الثانی ۹۶۶ق تا ذیقعه ۹۶۷ق این سمت را داشت (تتوی و قزوینی، ۵۹۴؛ علامی، اکبرنامه، ۲/۹۴). در در همین دوره برادران و دامادها و تعدادی از بستگان شهاب‌الدین در دهلی گرد آمدند (همانجا). به‌نوشته کنبو (۲۱/۳) وی در دوره صوبه‌داری، مسیر نهر معروف شهر را ترمیم و لایروبی کرد.

در جمادی الثانی ۹۶۷ق و در دوره جوانی اکبرشاه، عده‌ای از درباریان به دنبال راهی برای برکناری بیرام‌خان بهارلو بودند. در این میان شهاب‌الدین نیز به همراه سه تن از سران تورانی - ماهم آنکه/ماهیم آنکه (مادر رضاعی شاه و رئیس متنفذ حرمسرا)، ادهم خان کوکه (فرزند ماهم آنکه) و شمس‌الدین اتکه خان - به تمهید مقدمات برکناری بیرام‌خان و سپس جنگ با طرفداران او پرداختند (علامی، اکبرنامه، ۲/۹۴-۹۶، ۹۹؛ تتوی و قزوینی، ۵۹۴-۵۹۶؛ هروی، ۲/۱۴۳؛ بدائونی، ۲/۳۶-۳۷). به‌نوشته فرشته (۱۶۰/۲)، شهاب‌الدین با ماهم آنکه و ادهم خان، توانستند رضایت شاه را برای برکناری هموطن خود به دست آورند. شهاب‌الدین در این راه بیش از سایرین فعال بود (همانجا) چرا که ظاهراً بیرام‌خان مانع دستیابی وی به منافع و اهدافش بود. در این دوره برخی از وظایف بیرام‌خان، بر عهده شهاب‌الدین نهاده شده بود (نک: علامی، اکبرنامه، ۲/۱۰۰، ۱۰۳، ۱۷۴). هر چند زمان پایان یافتن صوبه‌داری شهاب‌الدین روشن نیست، مسلم است که وی پس از ذیقعه ۹۶۷ق، صوبه‌دار نبوده است، چرا که اکبرشاه که به‌منظور جنگ با بیرام از دهلی خارج شد، اداره این صوبه را به وزیر ایرانی دیوان اعلی (عبدالمجید تایبادی مخاطب به آصف خان) سپرد (همان، ۲/۱۱۱، ۱۸۲؛ بدائونی، ۲/۴۳).

شهاب‌الدین و وکالت سلطنت

شهاب‌الدین بعد از صوبه‌داری دهلی، مدتی (از اواخر جمادی‌الثانی تا اوایل رجب ۹۶۷ق) عهده‌دار بخشی از وظایف وکیل‌السلطنه شد. برخی از منابع (علامی، *اکبرنامه*، ۹۵/۲-۹۶؛ نهایندی، ۶۶۸/۱؛ Ibn Hasan, 140)، به اداره مشترک امور سمت وکالت توسط شهاب‌الدین و ماهم آنکه (مادر رضاعی شاه) در ماه نخست بعد از برکناری بیرم‌خان اشاره کرده‌اند. به‌نوشته شاهنوازخان صمصام‌الدوله (۵۶۸/۲)، «مهمات ملکی و مالی» به صوابدید ماهم آنکه، به شهاب‌الدین واگذار شد و وی چند روزی به اداره امور وکالت پرداخت. اما، علامی (آیین‌اکبری، ۲۳۲)، نام شهاب‌الدین را در جرگه کسانی که این منصب را داشتند، ذکر نکرده است. احتمالاً شهاب‌الدین، غیررسمی به اداره امور وکالت می‌پرداخت.

برخی از منابع (تتوی و قزوینی، ۵۹۴؛ خافی خان نظام‌الملکی، ۱۴۳/۱)، ازدواج شهاب‌الدین با دختر ماهم آنکه سخن را عامل مناسبات نیک آن دو دانسته‌اند. هر چند به‌نوشته علامی (اکبرنامه، ۷۱۶/۳)، زن شهاب‌الدین (ماما آغا) از خویشان نزدیک مادر ایرانی شاه (مریم مکانی) بود. شاید هم شهاب‌الدین دو همسر داشته است. در هر حال، شهاب‌الدین، همانند دو شخصیت برجسته تورانی (ماهم آنکه و ادهم خان کوهک)، نقش بسزائی در ترغیب شاه به صدور فرمان برکناری بیرم‌خان از منصب وکالت و نیز بسیج امرا برای مخالفت با ویداشت (همان، ۹۴/۲؛ تتوی و قزوینی، ۵۹۴-۵۹۶؛ بدائونی، ۳۶/۲-۳۷). به‌نوشته تتوی و قزوینی (۵۹۴)، همراهی شهاب‌الدین با ماهم آنکه در براندازی بیرم متأثر از خویشاوندی آن دو بود. اما علامی (اکبرنامه، ۹۴/۲)، موضع‌گیری شهاب‌الدین علیه بیرم را برآمده از تدبیر، حق‌شناسی و حقیقت‌ورزی او دانسته است.

در منازعه میان بیرم و رقیبان، امرائی که از بیرم جدا می‌شدند، با نظر شهاب‌الدین و ماهم آنکه، به مناصب، القاب و جاگیرهای جدید دست می‌یافتند (علامی، *اکبرنامه*، ۹۵/۲-۹۶ و ۹۹؛ بدائونی، ۳۷/۲؛ نهایندی، ۶۶۸/۱). البته بیشتر تورانی‌ها، چندان تمایلی به سپردن زمام امور به دست ایرانیان نداشتند. از این‌رو عده‌ای که علامی (اکبرنامه، ۱۰۰/۲) آنها را «ترکان ساده لوح» خوانده، علیه شهاب‌الدین و دیگر ایرانی‌های متنفذ دربار، توطئه کردند. هرچند اکبرشاه، عوامل این توطئه را مجازات و تبعید کرد، اما برای آرام کردن اوضاع در اوایل رجب ۹۶۷ق، بهادرخان را که تورانی بود، وکیل‌السلطنه کرد. بهادرخان اقتدار چندانی نداشت و وظایف وکالت، عمدتاً در دست ماهم آنکه قرار گرفت (همانجا). با توجه به این اوضاع، احتمالاً سهم شهاب‌الدین در اداره امور، به کلی از میان زایل نگشت.

شهاب‌الدین و ایجاد اختلاف میان سران تورانی

پس از سپردن وکالت سلطنت به تورانی‌ها، شهاب‌الدین همچنان مورد اعتماد اکبرشاه و صاحب نفوذ بود. وی در اواخر رجب ۹۶۷ق، اکبرشاه را در عزیمت به جنگ با بیرم‌خان، همراهی کرد و عهده دار اموری چون «نگهداشتن شورشیان خطرناک» شد (همان، ۱۰۳/۲). در ۹۶۸-۹۶۹ق نیز، در جرگه دولتمردان عالی‌رتبه و متنفذ دیوان و دولتخانه شاه در آگره بود (همان، ۱۷۴/۲) و در رمضان ۹۶۹ق، با تعدادی از امرای عالی‌رتبه دیوانخانه در توطئه ایجاد اختلاف میان سران تورانی که منجر به قتل دو امیر قدرتمند آنها (شمس‌الدین محمد اتکه خان، ادهم خان کوه‌که)، شد، شرکت کرد. پس از این واقعه خونین، شهاب‌الدین و دیگر تحریک‌کنندگان بیمناک و متواری شدند. اما اکبرشاه در شوال ۹۶۹ق، با اعزام اشرف‌خان میرمنشی مشه‌دی، شهاب‌الدین را از نگرانی درآورد و به «مهمات سابق» مشغول داشت (علامی، اکبرنامه، ۱۷۶/۲، ۱۷۸؛ تتوی و قزوینی، ۶۱۸). شاید علاوه بر خویشاوندی شهاب‌الدین با ماهم آنکه، نسبت وی با مادر اکبرشاه نیز در دلجویی از وی بی تأثیر نبوده است.

تصدی املاک خالصه و صوبه‌داری دارالخلافه آگره

شهاب‌الدین در ربیع الاول ۹۷۶ق و بعد از پایان دوره نخست صوبه‌داری مالوه (علامی، اکبرنامه، ۳۳۳/۲)، به دربار رفت. در این زمان، به سبب مشغله زیاد وزیر ایرانی دیوان‌اعلی (مظفرخان تربتی)، نظم و اداره خالصجات مختل شده بود. از این‌رو شاه بر آن شد که سامان نمودن و اداره خالصات را به فردی مومن، رعیت‌پرور، کاردان و فعال بسپارد (همانجا). در نتیجه اداره خالصجات به شهاب‌الدین سپرده شد. به‌نوشته علامی (همانجا)، شهاب‌الدین با به‌خوبی از عهده این کار برآمد و در کوتاه مدت، رضایت شاه را جلب کرد. وی تا صفر ۹۸۲ق که به صوبه‌داری آگره منصوب شد، همچنان وکیل دیوان خالصه بود (همان، ۸۷/۳؛ بدائونی، ۱۷۵/۲). وی در آخر صفر ۹۸۲ق که اکبرشاه عازم صوبه بنگاله و عملیات تسخیر ممالک شرقی شد، به صوبه‌داری دارالخلافه آگره رسید (قندهاری، ۱۹۰؛ علامی، اکبرنامه، ۸۷/۳؛ هروی، ۲۸۴/۲؛ بدائونی، ۱۷۵/۲). شهاب‌الدین تا رمضان ۹۸۲ق و زمان بازگشت شاه از سفر جنگی مذکور، در آگره بود (قندهاری، ۱۹۷؛ علامی، اکبرنامه، ۱۱۱/۳) و پس از آن نیز به مناصب عالی از جمله صوبه‌داری مالوه و گجرات رسید.

صوبه‌داری گجرات

شهاب‌الدین، در شعبان ۹۸۵ ق صوبه دار گجرات شد (همان، ۲۱۷/۳-۲۱۸؛ قندهاری، ۲۳۰ و ۲۳۳). گجرات به سبب عدم لیاقت امرای پیشین، دستخوش ناآرامی و شورش‌هایی چند شده بود. در نتیجه شماری از امرای لایق و کاردان ایرانی و نورانی از جانب دربار برای سرکوب شورش‌ها و رسیدگی به اوضاع گجرات به آن صوبه اعزام شدند (قندهاری، ۲۳۳؛ بدائونی، ۲۵۰/۲؛ علامی، اکبرنامه، ۲۱۷/۳-۲۱۸). در ذیحجه ۹۸۶ ق، یکی از فرماندهان عالی‌رتبه تورانی (قلیچ‌خان) نیز مأموریت گجرات یافت. گرچه در فرمان شاه، ذکر شده بود که قلیچ‌خان برای یاری دادن صوبه‌دار و کمک به تدمین آسایش بیشتر رعیت و انتظام بهینه سپاه گجرات، عازم آن دیار گردیده (همان، ۲۶۴/۳)، اما حضور وی در گجرات، به سبب تقرب به شاه و اعتبارش نزد دیگر امرای تورانی، موجب نگرانی و ایجاد محدودیت برای شهاب‌الدین بود. این که در فرمان اعزام یکی از منصبداران عالی‌رتبه دربار (خواجه غیاث‌الدین علی آصف‌خان قزوینی) به گجرات، تأکید شده بود که وی با هماهنگی شهاب‌الدین و قلیچ‌خان، سپاه گجرات را سامان خواهد داد (همانجا)، نشان دهنده مشارکت قلیچ‌خان و شهاب‌الدین در اداره امور گجرات است.

شهاب‌الدین با کمک امیران اعزامی، به سرعت اوضاع را آرام کرد و در صدد توسعه قلمرو بابریان در مرزهای گجرات برآمد. در ذیقعه ۹۸۷ ق، مقرر شد صوبه‌داران و امرای صوبه‌های مالوه و گجرات به فرماندهی قطب‌الدین‌خان اتالیق شاهزاده سلیم، به جنگ با فرنگیان مستقر در سواحل هند بپردازند (همان، ۲۷۵/۳-۲۸۰). از نتیجه این جنگ‌خبری در دست نیست. با این حال می‌دانیم که شهاب‌الدین در ربیع الاول ۹۹۰ ق، تعدادی از امرا و سپاهیان صوبه را تحت امر دامادش (میرزاخان) برای فتح بندر مهم «سورت» اعزام کرد. به‌نوشته علامی (اکبرنامه، ۳۸۹/۳)، به سبب عدم لیاقت داماد شهاب‌الدین نتیجه‌ای دربر نداشت و موجب نارضایی اکبرشاه شد (همانجا) هر چند که شهاب‌الدین همچنان نفوذ و اعتبار خود را در دربار حفظ کرد (بدائونی، ۲۹۹/۲). شهاب‌الدین در جمادی الاول ۹۹۱ ق، از صوبه‌داری گجرات برکنار شد و اعتمادخان گجراتی جایوی را گرفت (علامی، اکبرنامه، ۴۰۳/۳؛ هروی، ۳۶۸/۲). وی مدتی دراز حاکم گجرات و مورد اعتماد مردم آن ایالت بود (همانجا؛ بدائونی، ۳۲۲/۲-۳۲۳).

به‌نوشته بدائونی (۳۲۷/۲)، شهاب‌الدین در حالی تغییر کرد که حکومت مستقل و مقتدرانه او، مانع و دافع فتنه‌ها و شورش‌های گجرات شده بود. با این حال به نظر

می‌رسد حکومت چند ساله وی، امنیت پایدار گجرات را در پی نداشت و در اوایل شعبان ۹۹۱ق که شهاب‌الدین احمدآباد را ترک گفت و صوبه‌دار جدید وارد شهر شد، اکثر امراء و جاگیرداران سابق صوبه و حتی شماری از نوکران شهاب‌الدین به یکی از سران مقتدر مخالف شاه (مظفرخان گجراتی) پیوستند و اسباب شورش‌های گسترده‌ای را در گجرات مهیا کردند (هروی، ۳۷۰/۲؛ علامی، *اکبرنامه*، ۴۰۹/۳-۴۱۰؛ بدائونی، ۳۲۷/۲-۳۲۸).

علامی (*اکبرنامه*، ۴۰۹/۳)، مشاور نزدیک اکبرشاه، بدگوهری و منفعت‌طلبی نوکران و ملازمان سابق شهاب‌الدین و یکی دیگر از جاگیرداران قدرتمند تورانی گجرات (قطب‌الدین محمدخان) را مسبب اصلی شورش دانسته و آن را به بی‌تدبیری و بی‌پروائی شهاب‌الدین و قطب‌الدین نسبت داده است که با بدگوهران و فتنه‌افروزان مدارا کردند و از در به خدمت گرفتن سپاهیان وفادار غفات ورزیدند. البته علامی (همان، ۴۰۹/۳-۴۱۰) بی‌تدبیری و منفعت‌طلبی صوبه‌دار جدید و دیر رسیدن نیروهای کمکی را نیز، در گسترش دامنه شورش گجرات موثر دانسته است. افزون بر انتقادات تند علامی، ظاهراً عده‌ای دیگر نیز، شهاب‌الدین را به دست داشتن در این شورش‌ها متهم کرده‌اند. به‌نوشته نظام‌الدین احمد هروی (۳۷۰/۲-۳۷۱)، شهاب‌الدین در پاسخ به صوبه‌دار جدید که از وی خواسته بود، شورشیان را به فرمانبری فراخواند، اظهار داشت که مخالفت آنها ربطی به رفتن من و آمدن صوبه‌دار جدید ندارد؛ آنها در پی فرصت برای فتنه‌انگیزی و بغی بودند و در این میان از هلاک ساختن خود وی (شهاب‌الدین) نیز ابایی نداشتند. بعضی از سران شورشیان (میرعابد، خلیل بیگ، میریوسف بیگ، میرم بیگ) ایرانیانی بودند که از با استفاده از نفوذ و اعتبار شهاب‌الدین، به دنبال منافع خود بودند (علامی، *اکبرنامه*، ۴۱۰/۳) به رعایت حرمت شهاب‌الدین نیز نمی‌اندیشیدند. جهانگیرشاه (۲۴۵) در حوادث صفر ۱۰۲۷ق و شرح سفر خود به گجرات، به این شورش اشاره کرده است. به‌نوشته وی بعد از عزل شهاب‌الدین از صوبه‌داری گجرات، تعدادی از امرا و سپاهیان شهاب‌الدین دل در گجرات بسته و حاضر نشدند همراه شهاب‌الدین این صوبه را ترک کنند. این افراد، به امید خدمت تحت امر اعتمادخان و ماندن در گجرات بودند. اما با بی‌توجهی اعتمادخان، آنان تنها چاره ماندن را، علم کردن سلطان مظفر گجراتی و به آشوب کشاندن گجرات دیدند.

اعتمادخان برای فرونشاندن شورش، از شهاب‌الدین یاری خواست چرا که از نفوذ وی در میان شورشیان آگاه بود. شهاب‌الدین نیز به شرط اینکه اعتمادخان پرگناتی را که

پیش از این به جاگیر وی بود، به او واگذار و نیز دریافت دو لک روپیه، به وی پیوست (هروی، ۳۷۱/۲؛ علامی، *اکبرنامه*، ۴۱۰/۳-۴۱۱؛ بدائونی، ۳۲۸/۲). هر چند که وساطت شهاب‌الدین و همراهی وی با اعتماد خان نیز نتوانست شورشیان را آرام کند و این شورش در نهایت با ارسال سپاهیان جدید از سوی اکبر شاه سرکوب شد (هروی، ۳۷۲/۲-۳۷۳؛ علامی، *اکبرنامه*، ۴۱۱/۳-۴۱۲، ۴۲۱). در محرم ۹۹۲ ق میرزا عبدالرحیم بهارلو با سپاهی به گجرات فرستاده شد و در نبردی سخت که شهاب‌الدین نیز در آن حضور داشت شورشیان را شکستی سخت داد (همان، ۴۲۳/۳-۴۲۶). در صفر ۹۹۲ ق نیز سپاهی متشکل از امراء و جاگیرداران صوبه مالوه، به سپاهیان گجرات پیوستند. در نبردی که با مشارکت این امیران و حضور شهاب‌الدین، درگرفت، شورشیان به فرماندهی مظفر گجراتی شکست سخت دیگری متحمل شدند (علامی، *اکبرنامه*، ۴۲۸/۳-۴۳۰). به سبب اقدامات شهاب‌الدین در سرکوب شورشیان، در شعبان ۹۹۲ ق، یکی از مناطق مهم صوبه گجرات (سرکار بروچ) به جاگیری وی واگذار شد (همان، *اکبرنامه*، ۴۳۷/۳-۴۳۸).

شهاب‌الدین در محرم ۹۹۳ ق به آگره فراخوانده شد و به صوبه داری مالوه رسید (همان، ۴۵۶/۳-۴۵۷). انتصاب وی به این سمت نشان می‌دهد که اکبرشاه از کوشش‌های او برای سرکوب شورشیان راضی بود و به همدلی وی با شورشیان اعتقاد نداشت. شهاب‌الدین در عهد سلطنت اکبرشاه، پنج بار به صوبه‌داری مالوه منصوب شد. هرچند اکبرشاه به شهاب‌الدین اعتماد کرد اما سپردن صوبه مالوه به وی در واقع تقلیل جایگاه او و دور کردنش از مرکز حکومت بود. شاید رنجش شاه و تورانی‌ها از نقش وی در جدال خونین میان ادهم‌خان کوکه و شمس‌الدین اتکه یکی از اسباب دور ساختن وی از مرکز بود. شورش برادر شهاب‌الدین به نام حسن خان و فرار وی به کابل در ۹۷۱ ق و تحریک شاهزاده محمدحکیم برای حمله به پنجاب در اواخر سال ۹۷۳ ق نیز در تقلیل جایگاه شهاب‌الدین بی تأثیر نبود (همان، ۲۷۶/۲؛ بدائونی، ۹۰/۲).

شهاب‌الدین در مالوه با سرکوب شورش عبدالله‌خان اوزبک، رضایت اکبرشاه را جلب کرد (علامی، *اکبرنامه*، ۲۲۴/۲). با این حال در شعبان ۹۷۴ ق، از صوبه‌داری مالوه برکنار شد و در ذیقعدده همان سال اکبرشاه را در اردوکنشی علیه اوزبکان در صوبه‌های اله آباد و اوده همراهی کرد و در اواخر ذیحجه ۹۷۴ ق، همراه شاه عازم آگره شد (همانجا).

دوره دوم صوبه‌داری شهاب‌الدین، در اواخر ربیع الاول ۹۷۵ ق آغاز شد. همزمان با

این انتصاب، مأموریت یافت شورش تنی چند از شاهزادگان تیموری را در صوبه مالوه سرکوب کند (همان، ۳۱۳/۲). شوال ۹۷۵ق، نیز برای دفع این شورش‌ها به مالوه رفت. پس از این عملیات سرکار سرونج از توابع مالوه به جاگیری شهاب‌الدین داده شد (همان، ۳۳۱/۲؛ هروی، ۲۲۲/۲؛ بدائونی، ۱۰۶/۲-۱۰۷). شهاب‌الدین در ربیع الاول ۹۷۶ق، بار دیگر از صوبه‌داری مالوه برکنار شد (علامی، اکبرنامه، ۳۳۳/۲).

دوره سوم صوبه‌داری شهاب‌الدین در مالوه، در ربیع الاول ۹۸۴ق و ارتقاء وی به منصب پنج‌هزاری آغاز شد. در ذیحجه همان سال، با حفظ صوبه‌داری مالوه، مأمور جنگ با راجه علیخان و تسخیر مناطقی از دکن واقع در مرزهای جنوب شرقی مالوه شد (همان، ۱۹۷/۳-۱۹۸؛ هروی، ۳۳۰/۲؛ بدائونی، ۲۴۴/۲). در جمادی الاول ۹۸۵ق که دامنه شورش مظفرحسین میرزا، از گجرات به مالوه کشیده شد، شهاب‌الدین و سپاهیان‌ش مأموریت یافتند که دفع این شاهزاده تیموری را بر تسخیر خاندیس مقدم بدارند. اما برخی از امراء مالوه با کم توجهی و سهل انگاری در اجرای دستور شاه، باعث ناخشنودی بیشتر وی شدند و دستور بازگشت امراء اعزامی به تیول‌های سابق صادر شد (علامی، اکبرنامه، ۱۹۷/۳-۱۹۸). به‌نوشته بدائونی (۲۵۰/۲)، شهاب‌الدین در جنگ با راجه علی‌خان و تسخیر خاندیس، بسیار کوشید و در آستانه پیروزی کامل قرار گرفت. اما با جدائی یکی از امراء مقتدر تورانی (قطب‌الدین محمدخان) از شهاب‌الدین، سپاهیان ضعیف و ناکام شدند. اما به‌نوشته هروی (۳۳۳/۲) مأموریت شهاب‌الدین در مدت کوتاهی با تسلیم شدن و تقدیم هدایا، خاتمه یافت. به هر روی، در شعبان ۹۸۵ق و چند ماه بعد از خاتمه عملیات خاندیس، شهاب‌الدین از حکومت مالوه برکنار و به صوبه‌داری گجرات منصوب شد (قندهاری، ۲۳۳، ۲۳۰؛ علامی، اکبرنامه، ۲۱۷/۳-۲۱۸، ۲۳۷).

دوره چهارم صوبه‌داری شهاب‌الدین بر مالوه، در ربیع الاول ۹۹۳ق آغاز شد. در شعبان ۹۹۳ق شهاب‌الدین نیز به همراه برخی دیگر از صوبه‌داران، مأمور فتح دکن شد (همان، ۴۶۵/۳). فرماندهی این سپاه بر عهده اعظم‌خان تورانی بود که با شهاب‌الدین به‌سبب قتل پدرش دشمنی داشت. از این رو میان آنها دشمنی و فتنه‌انگیزی زیادی پدیدار شد (هروی، ۳۸۴/۲؛ بدائونی، ۳۶۰/۲-۳۶۱) و در نهایت، اختلاف میان اعظم‌خان و شهاب‌الدین علاوه بر اینکه مانع فتح دکن گردید، اختلاف و منازعه میان سپاهیان اکبرشاه را نیز افزایش داد (علامی، اکبرنامه، ۴۸۹/۳-۴۹۱).

دوره پنجم صوبه‌داری شهاب‌الدین، در صفر ۹۹۸ق و پس از تغییر اعظم‌خان تورانی،

شروع شد (همان، ۵۷۱/۳-۵۷۲؛ بدائونی، ۳۷۲/۲). به‌نوشته بدائونی (۳۷۲/۲)، اعظم‌خان پیش از ترک مالوه، به‌سبب دشمنی شدید با شهاب‌الدین، مالوه را ویران ساخت و به خاک سیاه نشاند. به این ترتیب آغاز صوبه داری مجدد شهاب‌الدین بر مالوه، با دشواری‌ها و محدودیت‌های مالی و احتمالاً نارضایی مردم همراه شد. اطلاعات مشخصی، در باره عملکرد شهاب‌الدین برای بهبود شرایط مالوه در دست نیست. با این حال، احتمالاً وی فرصت کافی برای آبادی صوبه و جلب نظر مثبت مردم نیافت. زیرا در صفر ۹۹۹ق، در اوجین درگذشت (علامی، اکبرنامه، ۵۸۴/۳؛ هروی، ۴۲۹/۲؛ بدائونی، ۳۷۴/۲).

نتیجه‌گیری

این مقاله با بررسی اقدامات سیاسی و نظامی شهاب‌الدین نیشابوری، سیاست وی را در مواجهه با رقیبان ایرانی و جغتایی، بررسی کرد. شهاب‌الدین که ظاهراً اغلب از عنایت اکبرشاه و حمایت برخی از شخصیت‌های دربار مانند مادر ایرانی شاه برخوردار بود، حدود چهار دهه مشاغل مختلفی چون صوبه‌داری و اداره املاک خالصه داشت و برای تثبیت حکومت اکبر و سرکوب مخالفان و شورشیان کوشید.

خدمات فراوان نظامی شهاب‌الدین که تا هنگام مرگ او تداوم یافت و بارها وی را تا آستانه مرگ پیش برد، تحت تأثیر منازعات و رقابت‌های بی‌وقفه دو عنصر ایرانی و تورانی قرار داشت. نخستین دهه از دوره اشتغال شهاب‌الدین به امور حکومتی، تا حدی تحت تأثیر همراهی جدی وی با عناصر عمدتاً تورانی برای برکناری بیرام خان بهارلو از شغل مهم نایب السلطنگی قرار داشت. با این حال در سه دهه بعد، شواهد چندانی از اتحاد و همراهی شهاب‌الدین با عناصر تورانی برای کنار زدن شخصیت‌های ایرانی از مشاغل مهم حکومتی دیده نمی‌شود. حتی شواهد و قرائن نشان می‌دهد که شهاب‌الدین چند سال بعد از برکناری و قتل بیرام خان بهارلو، نه تنها از عنصر تورانی فاصله گرفت بلکه به واسطه برخی عملکردهای وی، تنی چند از شخصیت‌های مقتدر تورانی با وی به به دشمنی برخاستند. وی حتی برای مدتی با فرزند بیرام خان بهارلو همکاری کرد و از عنایت او برخوردار شد. از این رو منافع شخصی و کوشش برای دستیابی به قدرت بیشتر، بیش از هر عامل دیگری در اقدامات و فعالیت‌های شهاب‌الدین، تأثیر داشت. منفعت طلبی و مصلحت‌اندیشی شهاب‌الدین برای کسب رضایت اکبرشاه، عامل مؤثر و تعیین کننده در نزدیکی و دوری وی به عنصر ایرانی در طی چهار دهه حضور او در مشاغل حکومتی بود. شهاب‌الدین به واسطه

خدمات فراوان نظامی و اداری به همایون و اکبر و نیز برخورداری از حامیانی چون مادر اکبرشاه، هم اعتبار خود را تا آخر عمر حفظ کرد و هم توانست به سلامت از گردنه‌های سختی چون دشمنی برخی از عناصر تورانی گذر کند.

منابع

- فرهنگ ارشاد، *مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۹ش.
- اسدبیگ قزوینی، *رساله تاریخ اسدبیگ قزوینی*، چاپ جمشید نوروزی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۳ش.
- بدائونی، عبدالقادر بن ملوک شاه، *منتخب التواریخ*، چاپ مولوی احمدعلی، به کوشش توفیق سبحانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹.
- بیات، بایزید، *تذکره همایون و اکبر*، کلکته: انجمن آسیایی بنگاله، ۱۳۶۰ق.
- تتوی، احمد و آصف خان قزوینی، جعفر، *تاریخ الفی*، چاپ سید علی آل داود، تهران، ۱۳۷۸.
- جهانگیرشاه گورکانی، نورالدین محمد، *جهانگیرنامه/توزک جهانگیری*، چاپ محمد هاشم، بنیاد فرهنگ ۱۳۵۹.
- خافی خان نظام الملکی، محمد هاشم علی خان، *منتخب اللباب*، چاپ کبیرالدین احمد و غلام قادر، کلکته، ۱۸۶۹.
- شاهنوازخان، صمصام الدوله، *مآثر الامرا*، چاپ مولوی عبدالرحیم، کلکته: مطبع اردوگائید، ۱۸۸۸-۱۸۹۰.
- علامی، ابوالفضل، *آیین اکبری*، چاپ سر سید احمد، علیگره: سر سید آکیدی، ۲۰۰۵.
- همو، *اکبرنامه*، چاپ مولوی آغا احمدعلی و مولوی عبدالرحیم، کلکته: انجمن آسیایی بنگاله، ۱۸۸۶م.
- فرشته، محمدقاسم، *تاریخ فرشته*، چاپ محمدرضا نصیری، تهران: اساطیر، ۱۳۸۸.
- قندهاری، محمد عارف، *تاریخ اکبری*، چاپ سید معین الدین ندوی و سید اظهر علی دهلوی و امتیاز علی عرشی، رامپور: کتابخانه رضا، ۱۹۶۲م.
- کنبو، محمد صالح، *عمل صالح موسوم به شاه جهان نامه*، چاپ وحید قریشی و غلام یزدانی، لاهور: مجلس ترقی ادب، ۱۹۷۲.
- هروی، نظام الدین احمد، *طبقات اکبری*، چاپ هدایت حسین، کلکته: انجمن آسیایی بنگاله، ۱۹۳۱م.
- نوروزی، جمشید، «مقتدرترین وکیل السلطنه ایرانی مغولان هند؛ محمد بیرم خان بهارلو

مخاطب به خانخانان»، فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران، سال نوزدهم،

شماره ۴، پیاپی ۸۱، ص ۱۲۳-۱۳۶، ۱۳۸۸ ش.

نہاوندی، عبدالباقی، مآثر رحیمی، تصحیح محمد ہدایت حسین، کلکتہ، ۱۹۲۵.

Afzal Husain, *The Nobility under Akbar and Jahangir; a study of family groups*, New Delhi, 1999.

Ibn Hasan, *The Central Structure of the Mughal Empire*, New Delhi, 1970.

Ishtiaq Husain Qureshi, *The Administration of the Mughul Empire*, Delhi, 2002.

I.C.S. Beveridge, A Letter from the Emperor Babur to his son Kamran, *Journal of the Asiatic Society of Bengal*, N.S., XV, 1919.

Yog Raj Malhotra, *Babur's Nobility and administration in Hindustan*, Jalandhar, 1996.